

مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر کار کودکان و پیامد آموزشی ناشی از آن

(مورد مطالعه روستای کراده، شهرستان جهرم)

سیداحمد فیروزآبادی^۱، زهرا رضانیاکان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۸

چکیده

در کشورهای درحال توسعه کودکان مانند سایر اعضای خانواده برای کمک به وضعیت اقتصادی خانواده به کار گرفته می‌شوند که بسیاری مواقع از درس و مدرسه بازمی‌مانند. در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل اهمیت به کیفیت نیروی کار به سن فعالیت رسیده از جنبه اقتصادی کار کودکان کاسته شده و به جنبه آموزشی و تربیتی آن افزوده شده است. تئودور شولتز، اولین نظریه‌پرداز سرمایه انسانی معتقد به دو بعد از سرمایه‌گذاری انسانی یعنی سرمایه‌گذاری در تندرستی و سرمایه‌گذاری در آموزش است. سؤال اصلی این پژوهش این است که چه عواملی در پیدایش کار کودکان مؤثرند و کار کودکان در روستا چه پیامدی در آموزش آن‌ها داشته است؟ روش انجام این پژوهش تمام‌شماری است. حجم نمونه کودکان ۱۰-۱۴ ساله روستای کراده از توابع شهرستان جهرم شامل ۷۰ نفر است. عمده‌ترین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که وضعیت اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی خانواده و وضعیت جسمانی والدین، جزء دلایل مهم کار کودکان در روستاست و ترک تحصیل و نبود پیشرفت تحصیلی، از آثار مهم کار کودکان است.

کلیدواژگان

آموزش، جهرم، روستای کراده، سرمایه انسانی، کار کودکان.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه، استفاده از کودکان به عنوان نیروی کار است. البته در پیشرفته‌ترین کشورها نیز، به کودکان در طول روز کارهایی سپرده می‌شود تا او هم احساس مسئولیت و هم تجربه کسب کند، اما آن‌ها به این نکته توجه دارند که کاری که به کودک سپرده می‌شود، کاری مثبت باشد و در جریان جامعه‌پذیری، رشد و تحصیل او خللی ایجاد نکند و مانع ورود او به مدرسه نشود. آن‌ها به کودکان به منزله سرمایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشورشان می‌نگرند و از همان آغاز آن‌ها را از این جهت آماده می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه کار کودکان بعد اقتصادی دارد و کودکان جهت تأمین مخارج خود و خانواده کار می‌کنند و گاه، کار مانع ادامه تحصیل آن‌ها می‌شود. در روستاهای ایران نیز مانند اکثر کشورهای در حال توسعه، به کودکان با توجه به سن و قوه بدنی کاری سپرده می‌شود. کودکان در خانواده‌های کشاورز و کارگر روستایی مخصوصاً پسران به عنوان کالای سرمایه‌ای به حساب می‌آیند، سرمایه‌ای که نه برای آینده بلکه برای بهبود وضعیت امروز استفاده می‌شود. در این پژوهش نقش کار کودکان به عنوان بخشی از نیروی انسانی کنونی جامعه روستایی و رابطه آن با شکل‌گیری سرمایه انسانی به طور اخص در روستای کراده از بخش خفر شهرستان جهرم بررسی می‌شود.

بیان مسئله

کودکان بخش مهمی از جمعیت یک جامعه به شمار می‌آیند. بنابراین، چگونگی شکل‌گیری شخصیت بنیادین آن‌ها در کودکی، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری آن‌ها در ساختار جامعه و آینده آن بسیار مؤثر است. عوامل بسیاری از جمله تنگدستی، بی‌سوادی، بدی تغذیه، نبود توان چانه‌زنی و... در سرنوشت کودکان در جامعه نقش دارند که شدت و ضعف این عوامل از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

در برخی از کشورهای در حال توسعه، اکثر کودکان به علت فقر خانواده‌هایشان ناچارند کار کنند. کودکان مناطق روستایی این کشورها برای جبران درآمد ناچیز حاصل از مزارع خانوادگی، والدین خود را یاری می‌دهند. این کودکان با کار خود یا هزینه نیروی کار را در خانواده کاهش می‌دهند و یا برای والدینشان یا برای بازپرداخت بدهی‌های خانواده برای دیگران کار می‌کنند بدون اینکه هیچ‌گونه درآمدی داشته باشند. بنابراین، تجربه‌ای که آن‌ها از دوران کودکی خود دارند بیگاری و کار اجباری است (کار و جامعه، ۱۳۷۲).

آمارها نشان می‌دهند که از هر شش کودک در جهان، یک نفر کار می‌کند. بیشترین حجم

کار کودکان در بخش کشاورزی (شکار، ماهیگیری، جنگلداری) با سهمی معادل ۷۰ درصد است. علاوه بر این گروهی از کودکان در دام برده‌داری و قاچاق گرفتار (۸/۴ درصد) شده و تعدادی در خدمات شخصی و اجتماعی ایفای نقش می‌کنند یا به کارهای خانگی می‌پردازند (۷ درصد) و بالأخره حدود ۸ درصد در کارخانه‌ها مشغول به کارند. بر پایه آمارهای سازمان بین‌المللی کار ۲۴۶ میلیون کودک در سال ۲۰۰۵ کار می‌کرده‌اند و از این تعداد ۷۳ میلیون تن کمتر از ده سال داشته‌اند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

نرخ فعالیت در شهرستان جهرم نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جمعیت شهرستان زیر سن فعالیت یعنی در گروه سنی زیر ۱۰ سال و بالای سن فعالیت یعنی گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار دارند. در سال ۱۳۷۵ جمعیت ۱۴-۱۰ ساله جهرم ۳۳۰۰۲ نفر بوده است که از این تعداد ۱۶۹۱ نفر یعنی ۵/۱ درصد در شمار جمعیت فعال قرار داشته‌اند. درصد شاغلین در بین فعالان این رده سنی ۵۸ درصد و نرخ بی‌کاری ۷/۰ درصد بوده است.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی: آیا کار کودکان بر آموزش آنها اثرگذار است؟

سؤالات فرعی:

- چه نوع کاری و به چه شکلی توسط کودکان انجام می‌شود؟
- آیا کار سبب ترک تحصیل آنها شده است؟
- کودکان برای خانواده خود کار می‌کنند و یا برای دیگران؟
- نظر کودکان و والدین آنها درباره کارکردن کودکان چیست؟
- آیا بین وضعیت اقتصادی خانواده با کار کودکان رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا بین تحصیلات والدین با کار کودکان رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا وضعیت جسمانی والدین سبب کار کودکان می‌شود؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش به اهمیت توسعه روستایی از طریق توسعه نیروی انسانی برمی‌گردد. پایین بودن تولید ناخالص داخلی، نرخ بالای رشد جمعیت و تعداد زیاد افراد خانواده، کمبود یا نبود امکانات بهداشتی و رفاهی، فقر خانواده و بی‌سوادی سبب شده که یک دور باطلی کودکان را به‌خصوص در روستاها در محاصره خود قرار دهد، زنجیره‌ای که حلقه‌های آن در هم تنیده شده‌اند و شدیداً یکدیگر را تقویت می‌کنند. شادروان دکتر عظیمی در کتاب *مادرهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران* به این دوره‌های باطل در اقتصاد ایران اشاره کرده‌اند و بیان

داشته‌اند که این حلقه‌ها را باید در جایی از هم گسست. به زعم ایشان نقطه از هم گسستن این زنجیره، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و تأکید بر آموزش و پرورش افراد متخصص و ماهر است (عظیمی، ۱۳۸۴). همان‌گونه که بعضی از کودکان با توسل به این عامل توانسته‌اند خود را از این مهلکه نجات دهند و زندگی جدیدی را برای خود و گاهی برای خانواده خویش بسازند. کودکان باید فرصت یابند تا خود و استعداد‌های خود را بشناسند و با کمک خانواده و جامعه درصدد باورساختن آن برآیند. اما به نظر می‌رسد گروهی از کودکان روستایی کشور ما توانایی یا فرصت فکرکردن به این مسئله را نمی‌یابند، چراکه بیشتر وقت خود را صرف کار و فعالیت‌هایی می‌کنند که مختص بزرگسالان است. بعضی به دلیل نیاز خود و خانواده مجبورند کار کنند و بعضی به دلیل سود بیشتر کارفرماها به کار گمارده می‌شوند. به‌رحال دلایل کار کودکان در روستاها را باید شناخت و مشکلات فراروی آن‌ها در محیط کار را باید بررسی کرد. البته هدف حذف کار کودکان نیست، چراکه احتمالاً به‌نظر گروهی از روستاییان کار بخشی از روند رشد کودک است که باید پشت سر گذاشته شود. هدف، آگاهی جامعه و خانواده از تنگناهای کار کودکان و پیامد آن در آینده اوست. باید بین کار تمام‌وقت و تمام‌فصل و مشارکت همه‌جانبه کودک در اقتصاد خانواده با کار فصلی و کار به معنی کسب تجربه و بخشی از روند رشد او تمایز قائل شد. با این دید کودک به کمک خانواده و جامعه فرصت فکرکردن به آینده را خواهد یافت و می‌تواند در راه شناخت استعداد‌های نهفته خویش گام بردارد.

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه کار کودکان و آموزش آن‌ها در روستای کراده از توابع شهرستان جهرم است.

اهداف جزئی این پژوهش عبارت‌اند از:

(الف) مطالعه شکل و نوع کار کودکان.

(ب) مطالعه شرایط اقتصادی-اجتماعی خانواده‌هایی که کودکانشان کار می‌کنند.

(ج) بررسی عوامل مؤثر بر کار کودکان.

(د) بررسی نظرهای کودکان، خانواده‌ها و کارفرمایان راجع به کار کودکان.

(ه) بررسی اثر کار کودکان بر آموزش آن‌ها.

مبانی نظری

سابقه کار کودکان مقارن پیدایش انسان و فعالیت اوست. در همه دوره‌های تاریخ فعالیت کودکان به روش‌های مختلف وجود داشته است. در نظام برده‌داری کودکان به همراه خانواده‌شان استثمار می‌شدند. در نظام صنفی کودکان به نام آموزش حرفه به خدمت استاد درمی‌آمدند. دوره صنعتی سخت‌ترین و خطرناک‌ترین دوره کار کودکان است. در همین دوره بود که بسیاری از صاحب‌نظران جنبشی تحت عنوان «مبارزه علیه کار کودکان» ایجاد کردند که این جنبش تا امروز ادامه یافته و بسیاری از مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار را در جهت حذف یا کاهش کار کودکان به خود مشغول داشته است.

در این مقاله جهت توجیه رابطه کار کودک، آموزش و تحصیل او به‌ویژه از نظریه سرمایه انسانی استفاده شده است. تئودور شولتز، اولین نظریه‌پرداز سرمایه انسانی در سال ۱۹۷۹ این قضیه را مطرح کرد که کلید توسعه اقتصادی خود انسان است نه منابع مادی. توسعه منابع انسانی در مقابل منابع مادی از این زمان به بعد اهمیت زیادی پیدا کرد. شولتز در تعریف سرمایه انسانی معتقد است: سرمایه انسانی، خصوصیات کیفی اکتسابی توسط انسان‌هاست که مفید است و با انجام سرمایه‌گذاری مناسب روی آن‌ها می‌توان به نتایج خوبی در آینده رسید (شولتز، ۱۳۷۰: ۵۰).

از نظر شولتز جامعه‌ای که نیروی انسانی باکیفیت و افرادی سالم و متخصص و ماهر داشته باشد در راه دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی، موفقیت‌های چشمگیری را نصیب خود خواهد ساخت. برای رسیدن به هدف توسعه اقتصادی باید انسان و توسعه منابع انسانی، از طریق برنامه‌ریزی بلندمدت و جامع و بر پایه اطلاعات دقیق از گذشته و حال در اولویت قرار گیرند تا بتوان به افق روشن آینده چشم دوخت (خداپرست، ۱۳۷۷: ۱۷۲). مطالعات شولتز نشان می‌دهد که سهم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی در افزایش تولیدات بیش از دوسوم است و یک‌سوم بقیه به سایر عوامل تولید برمی‌گردد (شولتز، ۱۳۷۰: ۲۰).

به عقیده کوزنتس افزایش دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های یک کشور، افزایش هزینه‌های بهداشتی، آموزش و پرورش و سایر خدمات اجتماعی است که به ارتقاء کیفیت نیروی انسانی می‌انجامد (قره‌باغیان، ۱۳۷۳: ۹۳).

«رومر و لوکاس، با رویکردی متفاوت از الگوی رشد سولو-سوان که رشد اقتصادی را تنها به میزان سرمایه و نیروی کار موجود در اقتصاد مرتبط می‌دانستند و متغیرهای غیراقتصادی

مانند کیفیت و سلامت نیروی انسانی را ندیده می‌گرفتند، سرمایه انسانی را به‌منزله یک متغیر درون‌زا وارد الگوهای رشد کردند. این پژوهشگران، بر نقش آموزش در ارتقای قابلیت نوآوری (ایده‌های جدید، محصولات جدید و فن‌آوری جدید) افراد و نیز سازگاری با فن‌آوری جدید به‌منظور سرعت‌بخشیدن به توسعه تکنولوژیک تأکید کردند» (به نقل از نیلی و نقیسی، ۱۳۸۲: ۲).

قره‌باغیان (۱۳۷۳) معتقد است واژه عقب‌ماندگی اقتصادی به کشورهای درحال توسعه زمانی اطلاق می‌شود که به دنبال بهره‌وری پایین نیروی کار و بی‌حرکی آن، سطح پایین تخصص و مهارت، اقتصاد ملی آن کشور در کانال مناسب قرار نمی‌گیرد.

با توجه به نظریه سرمایه انسانی و اندیشمندان این حوزه برای رسیدن به توسعه اقتصادی، به کیفیت نیروی کار و به نیروی کار ماهر و متخصص نیاز است، کشورهای توسعه‌یافته در برنامه‌ریزی‌های خود برای آینده به این موضوع توجه کرده‌اند و در این جریان به اهمیت دوران کودکی توجه ویژه مبذول داشته‌اند و از همان آغاز کودکانشان را برای تبدیل شدن به نیروی کار ماهر و متخصص آماده می‌کنند. برای رسیدن به این هدف، آن‌ها به آموزش و پرورش در دوران کودکی به‌عنوان شالوده تشکیل سرمایه انسانی و درنهایت توسعه اقتصادی اهمیت زیادی می‌دهند چراکه آموزش ثمرات باارزشی همچون افزایش قدرت نوآوری، سازگاری با نوآوری‌های جدید، توسعه تکنولوژیک و محصولات باکیفیت را برای آن‌ها به ارمغان آورده است. کشورهای توسعه‌یافته کودکان را به‌عنوان سرمایه انسانی بالقوه هدف توسعه قرار داده‌اند تا در آینده این بالقوه‌ها با به فعلیت رسیدن، عامل و کارگزار توسعه شوند. اما متأسفانه در کشورهای عقب‌نگهداشته‌شده اقتصادی توجه چندانی به این نیروهای عظیم انسانی نمی‌شود. یکی از خصوصیات کشورهای درحال توسعه را استفاده این کشورها از نیروی کار کودکان می‌داند. بنابراین، کودکانی که باید برای آینده و برای ساختن سرمایه انسانی یک کشور آماده‌شان کرد و آموزششان داد، از همان دوران کودکی به کار گمارده می‌شوند.

پیشینه مطالعات

در این قسمت خلاصه مهم‌ترین یافته‌های پژوهش کار کودکان در داخل و خارج از ایران ذکر می‌شود.

علی قهرمان‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در بررسی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان کار ساکن در مناطق ۱۲ و ۱۶ تهران به این نتیجه رسیدند که در زمینه اقتصادی،

اکثریت کودکان کار ساکن در این دو منطقه به علت فقر اقتصادی شاغل اند. ۶۲ درصد کودکان به علت نیازهای اقتصادی خانواده و ۴۷ درصد آن‌ها به دلیل آرزوهای اقتصادی‌شان مشغول به کارند. در زمینه اجتماعی، نتایج نشان می‌دهد که بعد خانوار کودکان بررسی شده در این پژوهش، ۸/۲۴ نفر است و سرانه مسکونی آن‌ها ۳ متر و کمتر است. و از نظر وسایل رفاه خانوادگی ضعیف‌اند. در زمینه فرهنگی، اکثر آن‌ها یعنی ۸۰ درصد پدر و مادر بی‌سواد و کم‌سواد دارند. ۹۵ درصد والدینشان کارهای ساده، کارگری و مشاغل کاذب دارند. ۳۶ درصد کودکان ترک تحصیل کرده‌اند که ۱۶ درصد آن‌ها علت ترک تحصیلشان را کمبود امکانات آموزشی اعلام کرده‌اند.

حاضریکا و سارانگی (۲۰۰۸) در پژوهش دسترسی خانواده به اعتبارات خرد و کار کودک در روستاهای مالاوی دریافتند که برخلاف آنچه تصور می‌شد دسترسی خانواده به اعتبارات خرد سبب افزایش کار کودکان ۷-۱۱ ساله می‌شود. دسترسی به اعتبار خرد نه تنها صرف تحصیل کودکان نمی‌شود بلکه کودکان به‌رغم تمایل به تحصیل برای بازپرداخت بدهی خانواده حاصل از این اعتبارات مجبورند بیشتر کار کنند.

احمد عبدالله (۱۹۸۸) در زمینه کار کودکان صنعت چرم قاهره به این نتیجه رسید که نگرش خانواده نسبت به تحصیل و یا کار کودکان، درآمد خانواده و وضع اشتغال بزرگسالان، عاملان اصلی کار کودکان است (به نقل از بایدن و بکل).

ماریا کریستینیا سالازار (۱۹۸۸) در مطالعه کار کودکان در معدن آجرپزی بوگوتا در کلمبیا به این نتیجه رسیده است که کار کودکان در این جوامع، به‌طور عمده به دلیل فقر گسترده در منطقه است. تعدادی از این کودکان، تنها نان‌آورهای خانواده بودند. حدود نیمی از خانواده‌های بررسی شده در آجرپزی‌ها و معادن، دست‌کم یک بزرگسال بی‌کار داشتند. فقر وحشتناک این خانواده‌ها از میزان پایین ثبت‌نام در مدرسه پیداست (همان منبع).

خسوس گوئیلن-ماروکوئن (۱۹۸۸) در صنعت طلاشویی در مادره ده دیوس^۱ در پرو نتایج جالبی را نشان می‌دهد. همه پرسش‌شوندگان در این پژوهش بین ۱۵ تا ۱۸ ساله هستند. بنابراین، رده سنی مشخصی در کار طلاشویی حضور دارند. همه به جز دو نفر از پاسخ‌دهندگان مذکر هستند و تقسیم کار جنسی آشکاری در این صنعت وجود دارد. بعد خانواده متغیر مهمی در اثرگذاری بر کار کودکان در صنعت طلا بود. به گونه‌ای که نزدیک نیمی

از کودکان از خانواده‌هایی با چهار بچه یا بیشتر بودند. اشتغال والدین در مشارکت جوان‌ترها به‌عنوان نیروی کار نقشی قطعی دارد، چراکه درآمد بزرگسالان بر درجه وابستگی به عایدی اطفال اثر می‌گذارد (همان منبع).

پژوهشی تحت عنوان «کار کودک در صنایع چوب و پوشاک فیلیپین توسط انستیتوی مناسبات صنعتی دانشگاه فیلیپین» (۱۹۸۸) انجام شده است که بیانگر نوع و وضعیت کار کودکان در این کشور است. اغلب کودکان در مؤسسات کوچک کار می‌کنند و در صنایع چوب و پوشاک، مشغول‌اند. تمرکز کودکان در شرکت‌های کوچک را می‌توان به دلیل سطح نازل سرمایه‌گذاری توضیح داد، کار کودکان مبتنی بر فقر است. کودکان شاغل، والدین بی‌کار یا والدینی فاقد تأمین اجتماعی دارند و مجبورند برای بقای خانواده کار کنند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که کار کودک رابطه تنگاتنگی با وضعیت اشتغال پدر دارد (به نقل از بایدن و بکل).

روش‌شناسی پژوهش

برای اجرای این پژوهش از همه‌شماری استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کودکان ۱۰-۱۴ ساله و والدین آن‌ها در روستای کراده از توابع شهرستان جهرم است که براساس آمار مرکز بهداشت روستا (۱۳۸۷/۱۲/۱۵) جمعیت ۱۰-۱۴ ساله روستا بالغ بر ۷۰ نفر که مشتمل بر ۳۹ پسر و ۳۱ دختر است. حجم جامعه مطالعه شده همه کودکان ۱۰-۱۴ ساله این روستا و سرپرستان آن‌هاست. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است که از دو پرسشنامه استفاده شده است. برای پی‌بردن به وضعیت اقتصادی، فرهنگی و جسمانی خانواده یک پرسشنامه توسط سرپرست کودکان و پرسشنامه دیگر که درباره کار کودکان است توسط کودکان ۱۰-۱۴ ساله این روستا، تکمیل شده است. قابل ذکر است که پرسشنامه‌ها به شکل پرسشگری یعنی با خواندن پرسشنامه توسط پژوهشگر برای پاسخگویان و ثبت اطلاعات تکمیل شده است. برای تحلیل داده‌های این پژوهش با کمک نرم‌افزار SPSS، ابتدا داده‌ها توصیف شد و سپس با استفاده از آزمون متناسب با سطح اندازه‌گیری متغیرها، فرضیه‌های پژوهش به آزمون درآمدند.

شناخت اجمالی روستای کراده

روستای کراده (keradeh)، در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی بخش خفر قرار گرفته و جزء دهستان علی‌آباد است. این روستا در مسیر اصلی جاده شیراز- جهرم قرار گرفته است. فاصله

آن تا شهر شیراز ۸۰ کیلومتر و تا جهرم ۴۰ کیلومتر است. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت روستا ۸۹۷ نفر مشتمل بر ۲۴۷ خانوار بوده است. براساس آمار مرکز خدمات کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی بخش خفر از ۲۰۵ نفر شاغل روستای کراده در سال ۱۳۸۵، ۶۲/۴ درصد در بخش کشاورزی و ۳۷/۶ درصد در بخش خدمات اشتغال دارند. بنابراین، شغل اصلی مردم روستا، زراعت و باغداری است. بعضی از اهالی در کنار زراعت و باغداری، دامداری نیز می‌کنند. عمده درآمد مردم روستا از باغداری حاصل می‌شود. مالکیت اراضی و باغ‌ها خصوصی است و امروزه به علت پیرشدن مالکان و مهاجرت فرزندانشان به شهر، شیوه اجاره‌داری و سهم بری بسیار رایج شده است.

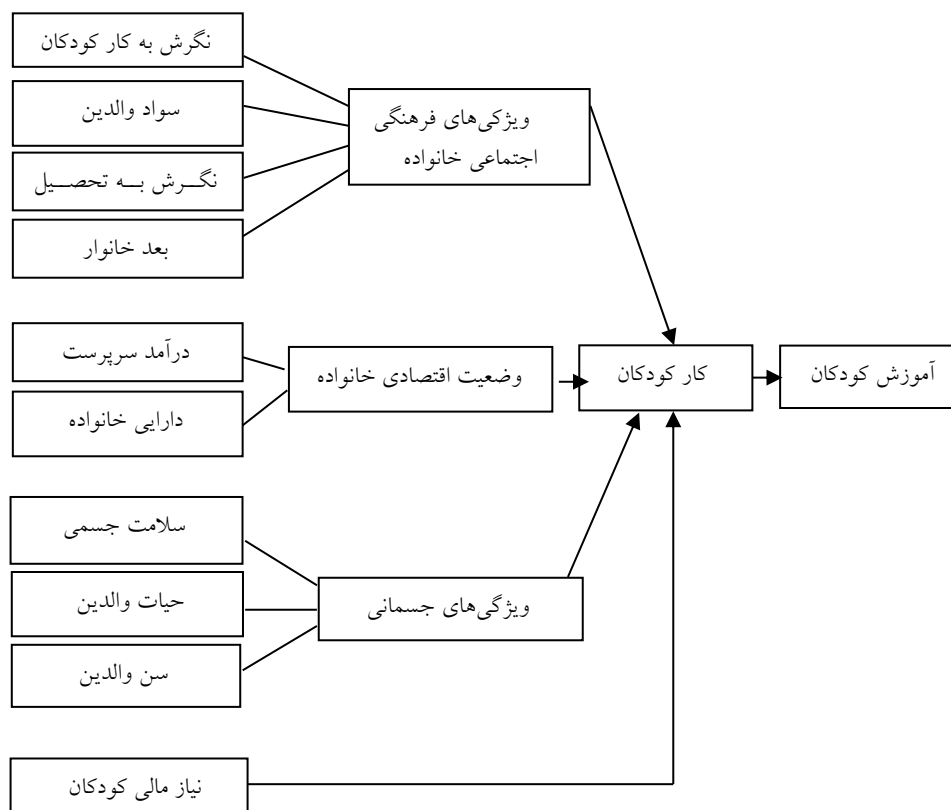
فرضیه‌های پژوهش

فرضیات اصلی

فرضیه اول: به نظر می‌رسد کار کودکان بر آموزش آن‌ها تأثیرگذار است.
 فرضیه دوم: به نظر می‌رسد نیاز مالی کودکان سبب کار آن‌ها شده است.
 فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی خانواده، ویژگی جسمانی والدین و ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی خانواده با کار کودکان رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی

- بین کار کودکان و درآمد خانواده رابطه وجود دارد.
- بین کار کودکان و دارایی خانواده رابطه وجود دارد.
- بین حیات والدین و کار کودکان رابطه وجود دارد.
- بین سلامت جسمی والدین و کار کودکان رابطه وجود دارد.
- بین سن والدین و کار کودکان رابطه وجود دارد.
- بین سواد والدین و کار کودکان رابطه وجود دارد.
- بین نگرش والدین به کار کودکان و کار کودکان رابطه وجود دارد.
- بین نگرش والدین به تحصیل کودکان و کار کودکان رابطه وجود دارد.
- بین کار کودکان و بعد خانوار رابطه وجود دارد.



نمودار ۱. الگوی مفهومی پژوهش

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

۱. کار کودکان

تعریف مفهومی: استفاده از کودکان به عنوان نیروی کار قبل از اینکه شرایط ورود به بازار کار (سن لازم یا قوه بدنی جهت انجام کار) را داشته باشند. غالباً کار مانع ورود آنها به مدرسه و یا پیشرفت تحصیلیشان شده و دستمزد بسیار ناچیزی را نصیب آنها می‌کند (کار و جامعه، ۱۳۷۲).

تعریف عملیاتی: منظور از کار کودکان در این پژوهش، انجام فعالیت‌هایی است که توسط کودکان ۱۰-۱۴ ساله چه برای خانواده به عنوان کارگر بدون مزد خانگی یا مزدگیر و چه برای دیگران به صورت کارگری در روستای کراده انجام می‌گیرد.

۲. آموزش

تعریف مفهومی: عمل یا فرایندی که از طریق آن، دانش، مهارت و شایستگی و کیفیت‌های مطلوب رفتار یا منش به فرد آموخته می‌شود (کوئن، ۱۳۸۷).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر، منظور از آموزش، محصل‌بودن یا ترک تحصیل کودک و پایه تحصیلی آن‌هاست.

۳. وضعیت اقتصادی خانواده

توان مالی خانواده در تأمین مایحتاج زندگی و امرار معاش. در این پژوهش وضعیت اقتصادی خانواده به وسیله دو شاخص درآمد خانواده و دارایی خانوار عملیاتی می‌شود.

● دارایی خانوار

منظور از دارایی خانوار مالکیت خانوار بر چیزهای باارزشی است که در صورت نیاز خانواده قابل فروش و نقدکردن باشد. در این پژوهش دارایی خانواده شامل زمین، باغ، دام، ارزش منزل مسکونی و دستگاه‌های برداشت و آماده‌کردن محصولات باغی جهت ارائه به بازار است.

● درآمد خانواده

میزان پولی که خانواده به‌ازای انجام کار یا ارائه خدماتی دریافت می‌دارد. در پژوهش حاضر منظور از درآمد خانواده، درآمد سالیانه سرپرست خانواده است که از طریق انجام فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی در طول یک سال معین کسب می‌شود.

۴. ویژگی جسمانی والدین

این مفهوم ناظر بر چگونگی وضعیت جسمی و سلامتی والدین است. در این پژوهش منظور از وضعیت جسمانی سلامت جسمی والدین، حیات آن‌ها و سن والدین است.

۵. ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی خانواده

این مفهوم ناظر بر چگونگی نگرش‌ها، رفتارها و انتظارات اعضای خانواده نسبت به تحصیل و کار کودکان است. برای عملیاتی‌کردن این مفهوم در این پژوهش، از چهار متغیر سواد والدین، نگرش والدین به کار کودک و نگرش والدین به تحصیل کودک و بعد خانوار استفاده می‌شود.

● منظور از سواد والدین باسواد یا بی‌سوادبودن والدین و میزان تحصیلات آن‌هاست.

- نگرش، تمایلی فردی به واکنش منفی یا مثبت در برابر ارزش اجتماعی است. یکی از راه‌های سنجش نگرش این است که از افراد بپرسیم درباره یک موضوع چه احساسی دارند (ازکیا، ۱۳۸۲: ۴۴۰). در این پژوهش منظور از نگرش والدین به کار کودکان شناخت دیدگاه و عقیده والدین نسبت به کارکردن کودکانشان است و منظور از نگرش والدین به تحصیلات کودکان، پی‌بردن به دیدگاه آنان درباره آموزش کودکان و باسواد شدن آنهاست.
- منظور از بعد خانوار تعداد افرادی است که در یک خانواده و زیر یک سقف زندگی می‌کنند.

۶. نیاز مالی کودک

احتیاج کودک به پول برای رسیدن به هدف مورد نظر یا خرید کالای مورد علاقه و یا تأمین مخارج خانواده و... نشان‌دهنده نیاز مالی کودک است. در این پژوهش منظور از این واژه این است که کودک برای تأمین نیازهای مالی خانواده و یا نیازهای شخصی و مطالبات خود (خرید کالاها و خدماتی که خانواده آنها را برای کودک تأمین نمی‌کند مثل خرید لباس‌های مد روز، خرید ماهواره و تلفن همراه، رفتن به باشگاه و کلاس‌های ورزشی) کار کند.

یافته‌های پژوهش

الف) ویژگی‌های کودکان کار در روستای کراده از حجم جمعیت ۷۰ نفری کودکان ۱۰-۱۴ ساله روستای کراده، ۵۱ نفر (۷۳ درصد) در فعالیت‌های گوناگون کشاورزی یا برای خانواده یا برای دیگران و یا هر دو مشغول به کارند و ۱۹ نفر آنها (۲۷ درصد) آنها اصلاً کار نمی‌کنند. اکثر کودکان در ۵ گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله، کار می‌کنند. بیشترین درصد اشتغال مربوط به کودکان ۱۴ ساله است که ۳۳/۳ درصد کل کودکان شاغل را در بر می‌گیرد. با در نظر گرفتن سن و جنس کودکان می‌توان گفت ۷۵ درصد پسران ۱۰ تا ۱۴ ساله روستا مشغول به کارند و تنها ۲۵ درصد کار نمی‌کنند. در بین دختران رقم کودکان شاغل ۷۱ درصد و کودکان غیرشاغل ۲۹ درصد است. بنابراین، از نظر جنسی تفاوت چندانی بین دختران و پسران روستا وجود ندارد. ۲۸/۶ درصد (۲۰ نفر) از کودکان ۱۰-۱۴ ساله روستا ترک تحصیل کرده‌اند، که ۲۵ درصد آنها دختر و ۷۵ درصد باقی‌مانده پسر هستند. همه این کودکان شاغل‌اند.

آمار به دست آمده نشان دهنده این است که تعداد کودکانی که هم برای خانواده و هم برای دیگران کار می کنند بیشتر از دیگر کودکان است و ۳۳ درصد را شامل می شوند و کودکانی که برای خانواده کار می کنند با اختصاص ۲۳ درصد در درجه دوم قرار دارند. اکثر کودکان پسر (۴۳/۶) هم برای خانواده کار می کنند و هم کارگری می کنند و اکثر دختران (۳۲/۳) فقط برای خانواده کار می کنند. همه دخترانی که برای دیگران کارگری می کنند کسانی هستند که مادر آن ها نیز به علت فقر اقتصادی و یا فوت پدر کارگری می کند و آن ها به همراه مادر و پایه پای او کار می کنند. دستمزد آن ها در روز با توجه به اندازه و نوع کاری که می کنند متفاوت است. اکثر دختران کارگر ترک تحصیل کرده اند و کسانی که محصل اند از نظر تحصیلی بسیار ضعیف اند.

از نظر تقسیم بندی کار کودک براساس گروه های سنی می توان گفت نیمی از کودکانی که برای خانواده کار می کنند ده ساله اند. بیشتر کودکانی که برای دیگران کار می کنند، سیزده سال دارند و نزدیک به نیمی از کودکانی که هم برای خانواده و هم برای دیگران کار می کنند چهارده ساله اند. بنابراین، اکثر کودکانی که برای خانواده کار می کنند، دختر و کم سن و سال اند، با افزایش سن کودکان در کنار کار برای خانواده کارگری نیز می کنند. اطلاعات به دست آمده نشان می دهند که از یازده سالگی با اتمام دوره ابتدایی کارگری کودکان در روستا شروع می شود.

براساس نوع اقتصاد روستا که بر پایه باغداری است اکثر کودکانی که برای خانواده کار می کنند و همه کودکان کارگر در انجام امور باغی مثل برداشت محصولات باغی و آماده کردن آن ها برای ارائه به بازار به فعالیت می پردازند.

نیمی از کودکانی که برای خانواده خود کار می کنند به طور میانگین ۳-۵ ساعت در روز در خدمت خانواده اند. مقدار ساعات کار روزانه کارگران کودک مانند بزرگسالان بیش از ۷ ساعت است. درباره تعداد روزهای کار کودکان در طول هفته برای خانواده می توان گفت ۵۰ درصد از کودکانی که برای خانواده کار می کنند و ۱/۷ درصد از کودکان کارگر در طول هفته ۳-۴ روز کار می کنند. تابستان فصل کمک کودکان به خانواده است. به گونه ای که در کل ۱۸ نفر از کودکان (۳۵ درصد) فصل تابستان را اختصاص به کار می دهند که بیش از نیمی از آن ها فصل تابستان هم به خانواده خود کمک می کنند و هم برای کسب درآمد کارگری می کنند. ۴۴ درصد کودکان در تابستان فقط به خانواده خود کمک می کنند. ۱۲ نفر (۲۴ درصد) بهار، تابستان و پاییز را به کار می پردازند که از این تعداد، ۵۸ درصد این سه فصل را فقط به کارگری برای دیگران اختصاص می دهند. ۱۰ درصد از کودکان در تمام فصول سال کار می کنند که از این تعداد ۴۰ درصد برای خانواده و ۶۰ درصد برای دیگران کار می کنند. بنابراین، اکثر کودکان کارگر در بهار، تابستان و پاییز به کار می پردازند.

به طور کلی، با در نظر گرفتن ساعات، روزها و فصول کار کودکان درباره میزان کار کودکان باید گفت ۲۷ درصد کودکان اصلاً کار نمی کنند، ۲۰ درصد ۲۰ تا ۹۰ روز در سال یا یک فصل کامل یا روزها و ماههایی از یک فصل که معمولاً تابستان است به کار می پردازند. ۳۳ درصد ۹۱ تا ۱۸۰ روز در سال کار می کنند که معمولاً دو فصل آن‌ها به کار می گذرد و ۲۰ درصد بقیه در سال ۱۸۱ تا ۳۰۰ روز کار می کنند.

۵۰ درصد از کودکانی که برای خانواده شان کار می کنند، از خانواده دستمزدی دریافت نمی کنند. ۲۵ درصد از آن‌ها به ازای کاری که برای خانواده انجام می دهند به اندازه‌ای که نیاز دارند و به عنوان پول توجیبی از خانواده پول دریافت می کنند. ۲۵ درصد به عنوان یک کارگر برای خانواده کار می کنند و دستمزد می گیرند. دستمزد روزانه یک کارگر در روستای کراده بسته به ساعت شروع و اتمام کار و نوع کار از ۸ هزار تا ۱۰ هزار تومان متغیر است. اکثر کودکانی که از خانواده چه به اندازه نیازشان یا به اندازه مزد یک کارگر دستمزد می گیرند، از آن برای مخارج شخصی استفاده می کنند، مثل رفتن به کلاس، باشگاه یا استادیوم‌های ورزشی، کافی شاپ، خرید لباس به مد روز یا ماهواره، تلفن همراه، دی وی دی، ال سی دی، پوستر فوتبالیست‌ها و بازیگران مختلف و پرچم تیم‌های بزرگ فوتبال و ... این‌ها مخارجی هستند که خانواده آن‌ها را غیر ضروری می داند و با تهیه آن‌ها مخالف است و از این جهت کودکان را حمایت نمی کند. کودکان برای به دست آوردن آنچه دوست دارند باید کار کنند تا با استفاده از دستمزد خود آن‌ها را تهیه کنند. به نظر می رسد یکی از علل پیدایش کار مزدی کودکان شکاف نسلی موجود بین والدین و کودکان در روستا و احساس نیاز کودکان به تغییر سبک زندگی و مدرن شدن باشد یا ممکن است، خانواده با تهیه آنچه کودکان دوست دارند مخالفتی نداشته باشند اما ضعف مالی مانع برآوردن آرزوهای آن‌ها می شود. کودکانی که علت نیاز به دستمزد را کمک به مخارج خانواده بیان کرده اند، از اقشار فقیر و کم بضاعت روستا هستند که خانواده به دستمزد آن‌ها نیاز دارد و از همان کودکی مجبورند کار کنند.

کودکانی که تمایل به پس انداز درآمد خود دارند، کسانی اند که از وضعیت مالی خانواده خود ناراضی اند و امیدوارند که با کار فصل تابستان و ایام تعطیل برای دیگران و گرفتن دستمزد به آرزوهای آینده خود مثل رفتن به دانشگاه یا ایجاد کسب و کار برسند.

ب) مقایسه ویژگی‌های خانوادگی کودکان مطالعه شده

اکثر والدینی که هر دو در قید حیات هستند (۷۲ درصد) کودکانشان کار می کنند. هر سه کودکی که مادرشان فوت کرده است و اکثر کودکانی که پدرشان در قید حیات نیست در زمره کودکان کار هستند.

بیماری والدین از طریق تأثیر بر اشتغال والدین بر کار کودکان اثرگذار است، به طوری که با بیماری والدین بر شمار کودکان کار افزوده می شود.

با افزایش سن والدین به تعداد کودکانی که کار می کنند افزوده می شود. به گونه‌ای که

والدین جوان تر نسبت به والدین میانسال و کهنسال، اکثر کودکانشان کار نمی کنند اما با افزایش سن والدین بر شمار کودکان کار افزوده می شود. اکثر والدینی که بی سوادند کودکانشان مشغول به کارند، منظور از تحصیلات پایین تحصیلات ابتدایی است، در گروه والدین با تحصیلات ابتدایی از شمار کودکان کار کاسته شده است. تحصیلات متوسطه، تحصیلات راهنمایی و دبیرستان است. در این گروه مجدداً شاهد افزایش شمار کودکان کار هستیم. تحصیلات بالا، تحصیلات دانشگاهی است که مادران سه نفر از کودکانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند هر سه کودک در گروه کودکان غیرشاغل قرار گرفته اند.

از نظر بعد خانوار، خانواده های پرجمعیت بیشترین درصد کودکان کار را دربرمی گیرد. اکثر کودکانی که کار می کنند، متعلق به خانواده ۸ نفره هستند که شامل ۵۸ درصد کودکان می شود درحالی که بیشتر کودکانی که کار نمی کنند متعلق به خانواده های ۴ نفره هستند که ۹۵ درصد کودکان را شامل می شود.

اکثر والدینی که با کار در دوران کودکی نظر مساعدی دارند و با این امر که انجام کار در کودکی، آن ها را ورزیده و آماده پذیرش نقش های آینده می کند، موافق اند، کودکانشان شامل ۷۳ درصد از کل کودکان کار می شود. درمقابل، اکثر پدرانی که با کار و مشارکت اقتصادی کودکان مخالف اند کودکانشان کار نمی کنند (شامل ۶۸ درصد کودکانی که کار نمی کنند). درکل می توان گفت ۵۳ درصد از کودکان کار پدرانشان با تحصیل فرزندانشان موافق و ۴۷ درصد مخالف اند درحالی که این رقم برای کودکانی که کار نمی کنند به ۸۹ و ۱۱ درصد می رسد.

دارایی های کشاورزی در روستای کراده شامل زمین، باغ و دام است که ۱۴ درصد از خانواده های کودکان مطالعه شده فاقد دارایی های کشاورزی هستند. ۸۰ درصد از کودکان این خانواده ها کودکان کار هستند و ۲۰ درصد آن ها کار نمی کنند. هر سه خانواده ای که زمین زراعی دارند کودکانشان کار می کنند. ۴۳ درصد از خانواده های روستا باغ دارند که اکثر کودکان این خانواده ها (۷۰ درصد) کار می کنند. اکثر کودکانی که خانواده هایشان زمین و باغ دارند کار نمی کنند و همه کودکانی که خانواده هایشان باغ و دام دارند در گروه کودکان کار قرار دارند.

همه کودکان مطالعه شده پژوهش در خانه هایی زندگی می کنند که متعلق به خانواده شان است. در این روستا ارزش منزل مسکونی با توجه به اینکه در کدام قسمت روستا واقع شده و از چه مصالحی ساخته شده، متفاوت است. پراکندگی قیمت منازل در این روستا از ۹۰۰ هزار تومان شروع و تا ۶ میلیون تومان ادامه می یابد.

اکثر خانواده‌های مطالعه‌شده (۴۷ درصد) از منازل با ارزش اقتصادی بالایی برخوردارند که ۶۴ درصد از کودکان متعلق به این خانواده‌ها کار می‌کنند. اکثر خانواده‌هایی که درآمد پایین و متوسطی دارند، کودکانشان کار می‌کنند. نیمی از کودکان خانواده‌های با درآمد بالا کار می‌کنند و نیمی دیگر کار نمی‌کنند.

جدول ۱. تفاوت میانگین میزان کار کودکان براساس وضعیت فرهنگی خانواده

وضعیت فرهنگی خانواده	تعداد	میانگین رتبه
کار کودکان	۲۰	۴۵/۷۸
پایین	۲۲	۲۷/۲۳
متوسط	۲۰	۲۱/۹۳
بالا	۶۲	
کل		

Chi-square: ۲۰/۳۹

df: ۲

sig: ۰/۰۰۰

عوامل مؤثر بر کار کودکان

۱. وضعیت فرهنگی خانواده

شاخص وضعیت فرهنگی خانواده از ترکیب چهار متغیر میزان تحصیلات والدین، نظر سرپرست کودک نسبت به کار کودکان و تحصیل آن‌ها و همچنین بعد خانوار، ساخته شده است. پایین بودن وضعیت فرهنگی بدین معناست که میزان تحصیلات والدین پایین است. سرپرست کودک نظری مساعد به کار کودک و مخالف با تحصیل آن‌ها دارد و بعد خانوار نیز بالاست. در وضعیت فرهنگی متوسط والدینی که سطح تحصیلات نسبتاً بهتری دارند، نظرات نسبت به کار یا تحصیل کودکان متعادل‌تر شده و تعداد افراد خانواده نسبت به گروه قبل کمتر شده است. آزمون کروسکال-والیس که آزمون رتبه میانگین‌هاست، نشان می‌دهد که خانواده‌های با وضعیت فرهنگی پایین با اختصاص ۴۵/۷۸ درصد میانگین رتبه، دارای بیشترین میزان کار کودکان در مقایسه با دیگر گروه‌هاست. برای تشخیص اینکه آیا تفاوت میانگین رتبه‌ها معنادار است یا خیر آزمون کروسکال-والیس از آزمون کای-اسکوئر بهره می‌گیرد. با توجه به میزان معناداری $0/01 > 0/000$ می‌توان گفت تفاوت ارزیابی در سطح ۹۹ درصد معنادار است یعنی با بهبود وضعیت فرهنگی خانواده از کار کودکان کاسته می‌شود.

۲. وضعیت اقتصادی خانواده

جدول ۲. تفاوت میانگین میزان کار کودکان براساس وضعیت اقتصادی خانواده

وضعیت اقتصادی خانواده	تعداد	میانگین رتبه
کار کودکان	۲۳	۴۲/۹۳
پایین	۱۹	۴۲/۲۹
متوسط	۲۸	۲۴/۷۹
بالا	۷۰	
کل		

Chi-square: ۱۳/۹۴

df: ۲

sig: ۰/۰۰۰

شاخص وضعیت اقتصادی خانواده متشکل از دو متغیر درآمد سرپرست خانواده و ارزش دارایی‌های خانواده شامل دارایی‌های کشاورزی (زمین زراعی، باغ و دام)، دارایی‌های غیرکشاورزی (دستگاه بادام‌شکن، بادام‌تکان، بادام پوست‌کن و موتور) و ارزش منزل مسکونی است. خانواده‌های با وضعیت اقتصادی پایین، خانواده‌هایی هستند که درآمد سرپرست خانواده کم و دارایی‌های خانواده از ارزش چندانی برخوردار نیست. خانواده‌های متوسط از این دو نظر در وضعیت متوسطی قرار دارند و خانواده‌های با وضعیت اقتصادی بالا خانواده‌هایی‌اند که درآمد سرپرست خانواده بالا و دارایی‌های خانواده نسبت به دو گروه قبل از ارزش بیشتری برخوردار است. میانگین رتبه گروه‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های با وضعیت اقتصادی پایین با میانگین رتبه ۴۲/۹۳ بیشترین میزان کار کودکان را دارند و خانواده‌های با وضعیت اقتصادی بالا با اختصاص کمترین میانگین رتبه کمترین میزان کار کودکان را دارند. با استمداد از آزمون کای-اسکوئر و میزان معناداری $0.01 > 0.01$ نتیجه‌گیری می‌شود که با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری در میزان کار کودکان براساس وضعیت اقتصادی خانواده‌شان وجود دارد.

۳. وضعیت جسمانی والدین

جدول ۳. تفاوت میانگین میزان کار کودکان براساس وضعیت جسمانی والدین

وضعیت جسمانی والدین	تعداد	میانگین رتبه
کار	۱۹	۱۹/۴۷
کودکان	۱۷	۳۰/۲۶
بد	۲۵	۴۰/۲۶
کل	۶۱	

Chi-square: ۱۵/۹۸

df: ۲

sig: ۰/۰۰۰

شاخص وضعیت جسمانی والدین از سه متغیر حیات، سلامت و سن والدین ساخته شده است. وضعیت جسمانی خوب برای والدین به این معناست که پدر و مادر در قید حیات باشند، هر دو سالم و از سنین پایین تری برخوردار باشند. متوسط بودن وضعیت جسمانی والدین دلالت بر فوت، بیماری، یا کهولت و از کارافتادگی یکی از والدین است. وضعیت جسمانی بد به معنای فوت پدر و مادر یا بیماری هر دو یا کهولت و از کار افتادگی پدر و مادر است. جدول میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که والدین با وضعیت جسمانی بد با اختصاص میانگین رتبه ۴۰/۲۶ بیشترین میزان کار کودکان را دارند و با توجه به مقدار آماره کای-اسکوئر و میزان معناداری $0/000 > 0/01$ می‌توان گفت تفاوت ارزیابی‌ها با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است و هرچه والدین در وضعیت جسمانی بهتری باشند کودکانشان کمتر کار می‌کنند و به عکس.

۴. میزان نیاز مالی کودکان

جدول ۴: تفاوت میانگین میزان کار کودکان بر اساس میزان نیاز کودکان به دستمزد

میانگین رتبه	تعداد	میزان نیاز کودکان به دستمزد
۲۰/۱۷	۳۲	عدم نیاز
۵۳/۲۲	۲۰	زیاد
۴۴/۰۸	۱۸	خیلی زیاد
	۷۰	کل

Chi-square: ۳۸/۶۷

df: ۲

sig: ۰/۰۰۰

بیشترین میانگین رتبه مربوط به کودکانی است که میزان نیاز به دستمزدشان را زیاد ابراز داشته‌اند. با توجه به مقدار معناداری $0/000 > 0/01$ با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت میزان کار کودکان در بین کودکانی که به دستمزدشان نیاز زیاد یا خیلی زیاد دارند بسیار بیشتر از سایر کودکان است.

۵. وضعیت آموزش کودک

همه کودکان ۱۰-۱۴ ساله‌ای که کار نمی‌کنند در حال تحصیل‌اند و این در حالی است که هرچه میزان کار سالیانه کودکان اضافه می‌شود درصد ترک تحصیلی‌ها نیز بالا می‌رود. به گونه‌ای که ۷ درصد کودکانی که تنها یک فصل در سال، ۳۰/۴ درصد کودکانی که دو فصل و ۸۶ درصد کودکانی که سه فصل در سال کار می‌کنند ترک تحصیل کرده‌اند. ۷۰ درصد کودکانی که ترک تحصیل کرده‌اند دلیل ترک تحصیل خود را اشتغال به کار بیان کرده‌اند.

جدول ۵. رابطه کار کودکان و وضعیت آموزش آنها

وضعیت آموزش	کار کودکان		عدم کار کودک		۲۰-۹۰ روز		۹۱-۱۸۰ روز در		۱۸۱-۳۰۰ روز		جمع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
در حال تحصیل	۱۹	۱۰۰	۱۳	۹۳	۱۶	۶۹/۶	۲	۱۴/۳	۵۰	۷۱/۴	
ترک تحصیل کرده	۰	۰	۱	۷	۷	۳۰/۴	۱۲	۸۵/۷	۲۰	۲۸/۶	
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۲۳	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	

Sig: ۰/۰۰۰ Cramer's V: 0/401

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری و مقدار وی کرامر همبستگی متوسطی را بین کار کودکان و وضعیت آموزشی آنها نشان می‌دهند. یعنی به‌طور متوسط هرچه میزان کار کودکان بیشتر باشد احتمال ترک تحصیل آنها نیز بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر هرچه کودکان زمان کمتری را به کار اختصاص دهند، زمان بیشتری برای تحصیل و کسب علم دارند و کمتر ترک تحصیل می‌کنند.

ج) پیامد آموزشی کار کودکان

از ۷۰ کودک ۱۰-۱۴ ساله مطالعه‌شده این پژوهش ۷۱/۵ درصد در حال تحصیل و حدود ۳۰ درصد ترک تحصیل کرده‌اند. با در نظر گرفتن هدف توسعه هزاره- عمومی و همگانی‌سازی آموزش مدرسه‌ای- و تلاش برای ارتقای سطح عمومی آموزش در کشور ما، ترک تحصیل ۲۰ کودک از بین ۷۰ کودک بسیار دور از انتظار است درحالی‌که این اتفاق در روستای مطالعه‌شده رخ داده که بسیار قابل تأمل است.

۷۵ درصد کودکان ترک تحصیل کرده پسر و ۲۵ درصد دختر هستند. چنانکه ملاحظه می‌شود رقم محصلان دختر بیش از پسران است. بنابراین، همچنان که از نظر کار کودکان تفاوت جنسیتی وجود دارد از نظر وضعیت تحصیلی نیز این امر کاملاً مشهود است.

از نظر سنی همه کودکان ۱۰ ساله روستا مشغول تحصیل هستند و این گروه تنها گروه سنی است که ترک تحصیل کرده ندارد. گروه سنی ۱۲ ساله‌ها نسبت به دیگر گروه‌ها تعداد ترک تحصیل کرده کمتری دارد. بیشترین میزان ترک تحصیلی‌ها در گروه سنی ۱۳ و ۱۴ سال است. به‌طوری‌که ۱۳ ساله‌ها ۵۶ درصد و ۱۴ ساله‌ها ۳۹ درصدشان ترک تحصیل کرده‌اند. بعد از این دو گروه سنی ۱۱ ساله‌ها با ۲۳ درصد ترک تحصیلی در رتبه بعدی قرار می‌گیرند. علت افزایش

ترک تحصیل در این گروه‌های سنی، از نظر معلمان مدرسه راهنمایی پسرانه اضافه شدن دروسی مثل زبان انگلیسی و عربی به برنامه درسی کودکان و افت تحصیلی کودکان و در نتیجه بی‌علاقه شدن کودکان به مدرسه و یا مخالفت والدین در پی مردودی‌های پی‌درپی کودکان است. از دلایل دیگر این امر انتقال از دوره ابتدایی به راهنمایی و راهنمایی به دبیرستان است. درباره میزان تحصیلات ترک تحصیلی‌ها باید گفت ۱۵ درصد کودکان تا کلاس سوم ابتدایی، ۲۰ درصد چهارم ابتدایی، ۳۰ درصد پنجم ابتدایی، ۲۰ درصد اول راهنمایی و ۱۵ درصد تا دوم راهنمایی تحصیل کرده‌اند. ۳۹ درصد از این کودکان گفته‌اند که حداقل یکبار تجدید یا مرود شده‌اند. ترک تحصیل در کلاس پنجم ابتدایی و قبل از ورود به دوره راهنمایی بیشترین فراوانی را دارد و به همین دلیل کار کودکان به خصوص کارگری در سن ۱۱ سالگی به اوج خود می‌رسد و دوباره کاهش پیدا می‌کند و ۱۴ سالگی یعنی انتهای دوره راهنمایی دوباره زیاد می‌شود. ۷۰ درصد کودکان دلیل ترک تحصیل خود را اشتغال به کار بیان کرده‌اند. ۱۵ درصد آن‌ها به علت مخالفت والدین ترک تحصیل کرده‌اند که علت این مخالفت‌ها، تجدیدی و مردودی پی‌درپی کودکان است. والدین معتقدند زمانی که امکان پیشرفت تحصیلی کودکان فراهم نیست، باید وارد بازار کار شوند، تا هم تجربه‌ای برای آینده آن‌ها باشد و هم کمک خرج خود و خانواده باشند.

اطلاعات موجود نشان می‌دهند اکثر محصلین برای خانواده خود و آن‌ها در تابستان، فصل تعطیلی مدارس، و یا پاییز و بهار، بعد از مدرسه، به کار می‌پردازند و در روز، ساعات کمتری به خانواده خود اختصاص می‌دهند. در حالی که ۶۷ درصد ترک تحصیل کرده‌ها تابستان و پاییز را به صورت تمام وقت یا نیمه وقت به خانواده خود کمک می‌کنند و ۶۵ درصد آن‌ها به شکل تمام وقت یا نیمه وقت در تابستان، بهار و پاییز کارگری می‌کنند. بنابراین، در حالی که کودکان ترک تحصیل کرده به شکلی جدی وارد بازار کار شده‌اند، محصلین اوقات کمتری را به کار اختصاص می‌دهند و بیشتر به تحصیل می‌پردازند.

نتیجه گیری

با توجه به مطالعه انجام شده، شغل اصلی مردم روستای کراده باغداری است. محصولات عمده باغی این روستا، بادام، گردو، انار، زردآلو، سیب و گوجه باغی و مرکبات است. به علت قدمت باغداری در این روستا، اکثر درختان بلند قامت و پراکنده‌اند و با وجود اینکه برای برداشت محصول بعضی از درختان مثل بادام دستگاه‌های مخصوصی ساخته شده است، باغداران برای حفظ شاخه‌های درختان ترجیح می‌دهند جهت برداشت محصولات باغی خود از اعضای خانواده و یا کارگر انسانی استفاده کنند. در روستای کراده برای انجام امور باغی

مخصوصاً برداشت محصولات، استفاده از نیروی کار کودکان از دیرباز رایج بوده است. باغداران معتقدند کودکان به علت سبکی وزن سریع‌ترند، آسیب کمتری به شاخ و برگ درختان وارد می‌کنند و چون جای کمتری در بالای درختان اشغال می‌کنند، به کار خود مسلط‌ترند و در مقابل خار بعضی درختان مثل انار و مرکبات مقاوم‌ترند و بعضاً دستمزد کمتری می‌گیرند. بنابراین، استفاده از کودکان در برداشت محصولات را به نفع خود می‌دانند. چنانکه در تمام فصول سال کار کودکان چه به‌عنوان کارگر بدون‌مزد و چه بامزد در این روستا دیده می‌شود. ۷۳ درصد از کودکان ۱۰-۱۴ ساله در روستای مطالعه‌شده مشغول به کارند. ۳۲ درصد فقط برای خانواده خود کار می‌کنند، ۲۳ درصد فقط کارگری می‌کنند و ۴۵ درصد هم برای خانواده و هم برای دیگران کار می‌کنند. ۵۷ درصد از کودکان پسر و ۴۳ درصد دخترند. کودکان در دوران اولیه کودکی تنها برای خانواده خود کار می‌کنند و کم‌کم که بزرگ‌تر می‌شوند به کارگری هم می‌پردازند، به طوری که اکثر کودکانی که برای خانواده کار می‌کنند (۵۰ درصد) ۱۰ سال دارند و (۵۸ درصد) کودکان کارگر ۱۳ و ۱۴ سال سن دارند و ۵۶ درصد از کودکانی که هم برای خانواده و هم برای دیگران کار می‌کنند ۱۳ و ۱۴ سال سن دارند.

داشتن زمین زراعی یا باغ، یکی از عوامل به‌کارگیری کودکان توسط خانواده است (آقاجانیان، ۱۳۶۰) که در این پژوهش به‌خوبی نمایان است. ۸۴/۳ درصد خانواده‌های کودکانی که کار می‌کنند، دارایی‌های کشاورزی نظیر زمین، باغ و دام یا ترکیبی از این دارایی‌ها دارند. ۸۷/۵ درصد کودکانی که برای خانواده کار می‌کنند و همه کودکان کارگر در امور باغی فعالیت دارند. کودکان با کار برای خانواده، نیاز خانواده به یک نیروی کمکی را رفع می‌کنند. ۵۰ درصد کودکانی که برای خانواده خود کار می‌کنند، در قبال کاری که برای خانواده می‌کنند دستمزد نمی‌گیرند. ۲۵ درصد گفته‌اند به اندازه‌ای که نیاز داشته باشند دستمزد می‌گیرند (کودکان روستا رفتن به کلاس‌ها، باشگاه‌ها و استادیوم‌های ورزشی، سینما، پوشیدن لباس‌های گوناگون و مد روز را جزء نیازهای خود بیان کرده‌اند و به اندازه رفع این نیازها از خانواده دستمزد می‌گیرند) و ۲۶ درصد گفته‌اند به اندازه یک کارگر دستمزد می‌گیرند. کودکانی که از خانواده‌شان در قبال کاری که می‌کنند دستمزد نمی‌گیرند، به اقتصاد خانواده کمک قابل توجهی می‌کنند. دختران به شکل غیرمستقیم و پسران به شکل مستقیم (اموری که مستقیماً به تولید می‌انجامد) در اقتصاد خانواده مشارکت دارند. ۵۰ درصد کودکان در تابستان یعنی زمان تعطیلی مدارس به والدین خود کمک می‌کنند و بیشترین میزان تقاضا برای کار کودک، سه فصل بهار، تابستان و پاییز است که ۵۸/۳ درصد کودکان در این فصول به کارگری می‌پردازند.

درباره علل اصلی کار کودکان و مخصوصاً کارگری چه برای خانواده و چه برای دیگران، رابطه بین متغیرهای پژوهش بیان می‌شود.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی خانواده و کار کودکان همبستگی معکوس وجود دارد. یعنی هرچه درآمد و دارایی خانواده افزایش یابد، کار کودکان کاهش پیدا می‌کند و به عکس. در این پژوهش اکثر کودکانی که به هر دلیلی کار می‌کنند و نیاز مالی خود را خیلی زیاد بیان کرده‌اند کودکانی هستند که از نظر وضعیت اقتصادی خانواده ضعیف‌اند. بین وضعیت جسمانی والدین - حیات والدین، سلامت والدین و سن والدین - با کار کودکان رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر کودکانی که والدین سالم‌تر و جوان‌تری دارند، کمتر کار می‌کنند. زیرا والدین سالم و جوان با اشتغال خود از اشتغال کودکان می‌کاهند.

از نظر فرهنگی و اجتماعی باید گفت بین کار کودکان و وضعیت فرهنگی خانواده همبستگی از نوع معکوس است. پدران و مادران باسواد، کودکانشان کمتر کار می‌کنند، سواد سرپرست خانواده از طریق تأثیر بر نوع شغل و درآمد او بر کار کودک مؤثر است، به گونه‌ای که اکثر کودکانی که کار نمی‌کنند پدرشان علاوه بر کشاورزی یا باغداری به مشاغل هم‌چون رانندگی، مغازه‌داری، واسطه خرید و فروش زمین و محصولات و... می‌پردازند.

طرز نگرش و دیدگاه والدین به کار کودکان یا تحصیل آن‌ها بر کار کردن آن‌ها مؤثر است. به طوری که والدینی که معتقدند تحصیل علم هرچند منجر به کسب مشاغل دولتی نشود، آینده کودک را تأمین می‌کند و افراد باسواد در زندگی موفق‌ترند، کودکانشان کمتر کار می‌کنند و از نظر تحصیلی موفق‌ترند و به عکس والدینی که با کار در کودکی موافق‌اند، کودکانشان بیشتر کار می‌کنند و از نظر تحصیلی ضعیف و ناموفق‌اند.

از نظر بعد خانوار، اکثر کودکانی که کار می‌کنند متعلق به خانواده‌های ۸ نفره‌اند و رابطه بین کار کودکان و بعد خانوار رابطه‌ای مستقیم است یعنی هرچه بعد خانوار بیشتر باشد، میزان کار کودکان نیز بیشتر می‌شود.

از ۲۰ کودک ترک تحصیل کرده این روستا، ۷۰ درصد به دلیل اشتغال به کار ترک تحصیل کرده‌اند و ۳۰ درصد بقیه به دلایلی همچون مشکلات آموزشی، مخالفت والدین یا بی‌علاقگی به ادامه تحصیل، ترک تحصیل کرده‌اند، که آن‌ها نیز خواه ناخواه وارد بازار کار به شکل جدی و مداوم می‌شوند.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که با وجود کار کودکان مخصوصاً در فصل برپایی مدارس و ترک تحصیل ۲۹ درصد از کل کودکان مطالعه شده، نمی‌توان به توسعه انسانی چنین جامعه‌ای چشم داشت زیرا سرمایه‌گذاری انسانی که پیش درآمد توسعه انسانی است انجام نشده است. بنابراین، در چنین وضعیتی این جامعه نمی‌تواند برای جامعه بزرگ‌تر از خود نیروی کار ماهر و متخصص فراهم آورد و رابطه معکوس بین میزان کار کودکان و شکل‌گیری سرمایه انسانی نمایان می‌شود. چون سرمایه انسانی به معنی داشتن نیروی کار سالم، ماهر و متخصص است و

این مهم با سرمایه‌گذاری روی کودکان و آموزش آن‌ها فراهم می‌شود لذا در جامعه‌ای که والدین هنوز به کودکانشان به‌عنوان کالای سرمایه‌ای امروز چشم دوخته‌اند نمی‌توان به مهارت و تخصص آن‌ها در آینده نظر داشت.

منابع

۱. آفاجنیان، اکبر (۱۳۶۰). "نقش کودکان در جامعه روستایی ایران"، دانشگاه شیراز: بخش برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی.
۲. ازکیا، مصطفی، زارع، عادل و ایمانی، علی (۱۳۸۷). "رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی"، دانشگاه تهران: نشر نی.
۳. بکل، آصفه و بایدن، جو (۱۳۷۰). "تلاش برای کاهش کار کودکان"، ترجمه محمدرضا پورجعفری، تهران: نشر چکامه.
۴. بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۵. پاکستان، کودکان کارگر و کنوانسیون‌های بین‌المللی (۱۳۷۷). تهران: وزارت و امور اجتماعی دفتر روابط بین‌الملل.
۶. پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک. مجله کار و جامعه، شماره سوم، ۱۳۷۲.
۷. جغرافیای استان فارس. ۱۳۸۵.
۸. خداپرست شیرازی، جلیل (۱۳۷۷). "نگاهی به بهره‌وری نیروی کار در ایران"، تهران: اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱.
۹. روزبهان، محمود (۱۳۷۱). "مبانی توسعه اقتصادی"، تهران: مؤلف.
۱۰. ژاک، هلک (۱۳۷۱). "آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری برای آینده"، ترجمه عبدالحسین نفیسی، تهران: مدرسه.
۱۱. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵-۱۳۳۵.
۱۲. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان جهرم ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
۱۳. سیدمیرزایی، سیدمحمد (۱۳۸۷). "کودکان آسیب‌پذیر شهری"، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۷ و ۲۸.
۱۴. شولتز، تئودور (۱۳۷۰). "سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی"، ترجمه محمود متوسلی، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۵. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۸۶). "اقتصاد رشد و توسعه"، جلد اول چاپ هشتم، تهران: نی.
۱۶. قهرمان‌زاده، علی، ابویان، نسرتین و توسلی‌کیا، ژیللا (۱۳۸۳). "بررسی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان کار ساکن در مناطق ۱۲ و ۱۶ تهران"، دانشگاه آزاد واحد تهران، شرق: دانشکده علوم اجتماعی.
۱۷. کار غیر قانونی میلیون‌ها کودک در جهان. مجله کار و جامعه، شماره دوم، ۱۳۷۲.
۱۸. کلاتری، صمد و کیانی، مژده (۱۳۸۵). "بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان

- رو به توسعه با تأکید بر شاخص توسعه انسانی"، *مطالعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۳۱-۲۳۲.
۱۹. نیلی مسعود و نفیسی شهاب (۱۳۸۲). "رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش توزیع تحصیلات نیروی کار، مورد ایران ۷۹-۱۳۴۵"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره
20. Hazarika, Gautam & Sarangi, Sudipta (2008). Household access to micro credit and childwork in rural Malawi, *world development*, vol: 36. No: 5.
21. Yongkim, Chae (2009). Is combining child labour and school education the right approach? *Internation of education development*